



واکسیناسیون ۵ تا ۱۱ ساله ها بسته به رضایت والدین

شهرود | مصوب شد؛ واکسیناسیون گروه سنی ۵ تا ۱۱ سال در سراسر کشور به صورت پلکانی و با رضایت والدین. با توجه به لزوم آمادگی کامل مراکز درمانی مقابله با کرونا؛ اجرای ماده ۲۷ قانون جمعیت مبنی بر به کارگیری خانم های پزشک دارای فرزند در محل سکونت به مدت ۶ ماه به تعویق می افتد و مطابق روال قبلی وزارت بهداشت خدمت می کنند. به گفته سرپرست مرکز روابط عمومی و اطلاع رسانی وزارت بهداشت ستاد مصوب کرد واکسیناسیون گروه سنی ۵ تا ۱۱ سال در سراسر کشور به صورت پلکانی و با رضایت والدین آغاز شود. «فعالیت مدارس نیز به قوت خود باقی بوده و تعطیل نیستند و چنانچه ستاد ملی کرونا تصمیمات جدید اتخاذ کند، اعلام خواهد شد.»

•••

دستمزد ایام بیماری به شرط ها و شروط ها

شرایط پرداخت «دستمزد ایام بیماری» به بیمه شدگان مبتلا به امیکرون

شهرود | دستمزد ایام بیماری با رعایت شرایط. به گفته مدیرکل امور بیمه شدگان سازمان تامین اجتماعی به استناد ماده (۵۹) قانون تامین اجتماعی، بیمه شدگانی که تحت معالجه یا درمان های توانبخشی قرار می گیرند و بنا به تشخیص سازمان تامین اجتماعی موقتاً قادر به کار نیستند، به شرط عدم اشتغال به کار و عدم دریافت مزد یا حقوق، استحقاق دریافت غرامت دستمزد را خواهند داشت. به گفته مهدی شکوری پرداخت غرامت دستمزد ایام بیماری به بیمه شدگان واجد شرایط، قانون مستلزم طرح استراحت پزشکی و تایید آن در مراجع پزشکی معتمد سازمان است. شکوری ادامه می دهد: «به منظور جلوگیری از شیوع بیماری کرونا و تسریع و تسهیل در پرداخت غرامت دستمزد ایام بیماری به بیمه شدگانی که به واسطه ابتلا به بیماری کرونا استراحت پزشکی ارایه می کنند، در مواردی که در گواهی استراحت تجویزی توسط پزشک معالج، به صراحت به ابتلا بیمه شده به بیماری کرونا (COVID-19) از جمله احتمال ابتلا به سویه امیکرون اشاره شده و حداقل یکی از مستندات مربوط به اقدامات تشخیصی و درمانی انجام شده از جمله مدارک بیمارستانی، نسخ دارویی، تست RT-PCR، تست Rapid، ریه و... که توسط بیمه شده ارایه می شود، موید ابتلا فرد به بیماری مذکور باشد، پرداخت غرامت دستمزد ایام بیماری به این قبیل از بیمه شدگان بدون نیاز به ارایه تست PCR، برای استراحت های سریایی تا ۱۵ روز و استراحت های پزشکی متصل به ایام بستری تا سقف یک ماه بدون نیاز به مراجعه بیمه شده به مراجع معتمد پزشکی صورت می پذیرد.»

به باور او بدیهی است، چنانچه بر اساس مدارک ارسالی توسط بیمه شده، امکان تشخیص ابتلای او به بیماری کرونا میسر نباشد، پرداخت غرامت دستمزد پس از طرح موضوع در مراجع پزشکی معتمد سازمان امکان پذیر خواهد بود. به گفته شکوری به منظور تسهیل در پرداخت غرامت دستمزد ایام بیماری و کاهش مراجعه بیمه شدگان به واحدهای اجرائی، امکان ارایه درخواست و بازگذاری مستندات و مدارک درمانی مربوطه از طریق مراجعه به درگاه غیرحضوری به نشانی ES.tamin.ir فراهم است.

•••

کمیسیون ماده ۱۰۰ هیچ تغییری نمی کند

شهرود | رئیس شورای اسلامی شهر تهران با بیان اینکه کمیسیون ماده ۱۰۰ تغییری نمی کند، گفت: «اصلاح این کمیسیون اساساً وظیفه شورانگیز است و شورانمی تواند در آن دخالت کند.» مهدی چمران ادامه داد: «اصلاح کمیسیون ماده ۱۰۰ اساساً وظیفه شورا نیست و شورانمی تواند دخالت کند و اصلاح آن باید توسط مجلس شورای اسلامی صورت گیرد.» به گفته چمران در صورت ایجاد تغییر در کمیسیون ماده ۱۰۰ اگر تغییرات در جهت خوب و مثبت باشد، شورا حمایت خواهد کرد، اما اگر تغییرات منفی باشد، شورا حمایت نخواهد کرد. پیش از این، رئیس وقت قوه قضائیه ۲۳ مرداد ۱۳۹۹ در جریان حضور در شورای عالی استان ها و در زمان تصدی ریاست قوه قضائیه بر لزوم اصلاح کمیسیون ماده ۱۰۰ تاکید کرده و گفته بود که مسأله ماده ۱۰۰ که در یکی از جلسات گفتگو و در اینجا نیز اشاره کردند، باید حل کنیم، تخلف خریدن، کار درستی نیست. در یک کوچه ای چند نفر آمدند و کوچه را اشغال و سد معبر کردند، می گویند پولش را می دهیم، این حرف درست است؟ شما این حرف را می پسندید؟

نگهداری از کودکان معلول در سراسر کشور است. ۷۸ کودک معلول در پنج اتاق جداگانه نگهداری می شوند. نوای گریه هایی که به ناله بی شباهت نیست، بلندترین آوایی است که در رفیده به گوش می رسد. «اینجا از سه ماهه داریم تا هفت سال. نوزادان هنوز به درکی از پیرامون نرسیده اند و صرفاً برای نیازهایشان گریه می کنند. ولی از ۶ ماه به بعد، بچه ها متوجه آغوش می شوند. دنبال محبت هستند بدون اینکه فرقی برایشان داشته باشد کسی که آغوشش را باز کرده مادرشان است یا مادریار.»

گریه ها با آواهایی مبهم گره خورده؛ کاش می شد فهمید چه می خواهند بگویند. معلولیت ها و بیماری هایی که به آن دچار هستند، درد دارد؛ هر لحظه یکی از میان شان درد می کشد. این بچه ها اغلب زبانی جز گریه برای فریاد رنج شان ندارند. تمام زندگی شان در اتاق های کوچک نگهداری می گذرد. هر اتاق، خانه ۱۶-۱۵ کودک است؛ «اساساً به دلیل بیماری ها و معلولیت های مختلفی که کودکان معلول رفیده با آن دست و پنجه نرم می کنند، حتی به ندرت امکان اینکه کودکان برای بازی به حیاط شیرخوارگاه آورده شوند، وجود دارد.»

عاشق بغل کردن هستند

رفیده پنج اتاق نگهداری از کودکان دارد؛ هر اتاق برای ۱۶ کودک. «اتاق یک مخصوص نوزادان است؛ سه ماهه تا یک سال. اتاق ۲ برای بچه های یک تا سه ساله است و اتاق ۳ مخصوص نگهداری از کودکانی است که معلولیت آنها بسیار شدید است. این بچه ها فقط زنده هستند، ولی از دنیای واقعی درکی ندارند؛ اصطلاحاً می گویند زندگی نباتی و نیاز به مراقبت ۲۴ ساعته دارند. غذای نمی توانند بخورند، بدون کمک نمی توانند نفس بکشند. اینها با نارسایی های شدید ریه و کلیه دست و پنجه نرم می کنند. یا از راه بینی به معده غذای می شوند یا مستقیماً توسط شلنگ هایی که در دستگاه گوارش قرار می گیرد، تغذیه می شوند. سخت ترین وظایف در این اتاق است. اتاق ۴ هم برای بچه های نسبتاً بزرگ تر است و اتاق ۵ هشت مادریار رفیده؛ «بچه های اتاق ۵ صحبت می کنند؛ ابزار احساسات دارند. هر خانمی که وارد شود مامان شان است و هر آقای بیاید برای آنها باباست. دوست دارند با آدم ها معاشرت کنند، عاشق بغل هستند و از بازی کردن ذوق می کنند. این بچه ها همه چیز را درک می کنند. بچه های رفیده خیلی مهربان هستند. کوچک ترین محبت و عشق ورزی بی نهایت خوشحال شان می کند.»

مادراتگی شبانه روزی مادریار رفیده

شیرخوارگاه رفیده ۶۰ پرسنل دارد؛ از نیروهای خدماتی گرفته تا مسئولان اتاق شیر و خشک شویی، همچنین پرستاران، بهیاران و پزشکانی که با مجموعه همکاری می کنند. البته بیشتر سختی کار در شیرخوارگاه روی دوش مادریاران است. در شیرخوارگاه رفیده ۳۳ مادریار حضور دارند که به صورت ۲۴ ساعت شیفت و «قیلاً هر اتاق یک مادر داشت؛ الان ولی هر اتاق دو مادریار دارد. پوشک هایشان خیلی سریع عوض می شود؛ لباس های لک شده و کثیف بر تن بچه های رفیده نمی ماند و ملحفه های تخت ها هم مرتب عوض می شود تا محیط زندگی آنها تمیز و مرتب باشد.» هر آنچه که یک مادر برای نوزاد یا کودکش در طول روز انجام می دهد، مادریاران رفیده برای چندین کودک رفیده انجام می دهند؛ با عشق. «قطعاً ۲۴ ساعت کار مداوم در این شرایط سختی های خودش را دارد. مادر طول ۲۴ ساعت شیفت، فقط سه ساعت فرصت استراحت در خواب شبانه داریم که آن هم معمولاً به رسیدگی به بچه ها می گذرد. مسئولیت مادریار خیلی زیاد است، حتی در طول شب هم نگران این هستیم که بچه ای تب نداشته باشد و خدایی نکرده تشنج نکند یا مشکل دیگری به وجود نیاید.»



نام مادر در «شیرخوارگاه رفیده» با عشق گره خورده است

میهم مثل مهر مثل مادریار

باید توضیحش داد. همیشه دیدن بچه های معلول در کنار پدر و مادر، برایم همراه با تحسین و آفرین گفتن به والدینش بود. نگاه دوم دیگران به یک کودک معلول مثل خنجر است برای مادرش؛ یعنی وقتی مردم از کنار کودک معلولی در خیابان یا پارک رد می شوند، یک بار گذرانگاهی می اندازند، اما دوباره برمی گردند تا این بار با دقت تر به این کودک معصوم نگاه کنند. «این نگاه برایم خیلی آزاردهنده بود. کاش یاد بگیریم نگاه ترحم آمیز به هیچ نقصی در دیگران نداشته باشیم. کاش به خانواده کودک معلول هم فکر کنیم. من قوی بودن خانواده های معلولان را خیلی دوست داشتم و همیشه به پرستارانی که با کودکان معلول کار می کنند، غبطه می خوردم.»

معلولیت جزئی از زندگی شان شده

و بیشترشان درکی از نقصی که در وجودشان هست، ندارند. «محبت را اما خوب درک می کنند. بیشتر از نیازهای روزمره مثل غذا و لباس و پوشک تمیز؛ به آغوش مهربان نیاز دارند که مادریاران به آنها هدیه می دهند.»

همین انگیزه ام را برای این کار قوی تر کرد.»

آغوش را درک می کنند، محبت را می فهمند
شیرخوارگاه رفیده تنها مرکز تخصصی

دلمان برای بچه ها تنگ می شود

کار در رفیده یک پیش نیاز مهم می طلبد؛ عشق سرشار به بچه هایی که به خواست خدا اینگونه پا به این دنیا گذاشته اند. «من از بودن کنار این بچه ها از انرژی سرشار می شوم. در این مدت خیلی از مشکلات زندگی ام حل شده؛ مشکلات مادی منظورم نیست. چون هر کار دیگری خارج از این مجموعه هم همین میزان دستمزد را به من می دهد، نه بیشتر. با این حال، گره های زندگی ام در این مدت باز شده و احساس خوشایندی از بودن کنار آنها دارم.»

شاید هر کسی دلش را نداشته باشد که شرایط بچه های کم سن و سال معلول را در شیرخوارگاه ها ببیند. برای بسیاری از مردم دیدن این صحنه ها اذیت کننده است، ولی مادرانی هستند که مادرانگی شان را با عشق نثار آنها می کنند. «روزهای اول وقتی فیلم های مجموعه را به فرزند بزرگم نشان می دادم، احساس خوبی نداشتم. ولی کم کم او هم علاقه مند شده که از بچه های رفیده بیشتر برایش تعریف کنم و گفته دوست دارد از نزدیک آنها را ببیند؛ چند باری هم پول هایش را جمع کرده تا برایشان اسباب بازی بخرد.»

عشق مادرانه به کودکان رفیده، نورش را از خدا می گیرد و به زندگی مادریاران برمی گرداند؛ «شکرگزارتر شده ام و برای همین هم خدا این توان را به من داده که بتوانم با انرژی تر در کنارشان باشم. نه فقط من، بلکه همه مادریاران رفیده بعد از شیفت ها می گویند وقتی یک روز نمی بینیم شان، دل مان برای بچه ها تنگ می شود.»

مدیریت شیرخوارگاه رفیده تا نیمه شهریور امسال زیر نظر سازمان بهزیستی قرار داشت، اما در چهار ماه گذشته، این شیرخوارگاه به عنوان تنها مرکز تخصصی نگهداری از کودکان معلول بدسرپرست یا بی سرپرست به «خانه عشق کیان» (یکی از موسسات خیریه زیر نظر بهزیستی استان تهران) واگذار شده و حالا با کمک های مردمی اداره می شود.

از نایبانی و سندرم داون تا کودکانی که زندگی نباتی دارند

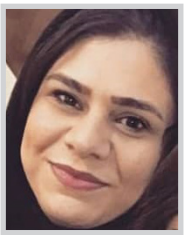
هفتاد و هشت کودک معلول زیر هفت سال. کودکانی که معلولیت های پیچیده دارند؛ مشکلاتی که باید هرگزگاهی به بیمارستان بروند. از مشکلات قلبی گرفته تا مشکلات تنفسی و نارسایی کلیوی. هر مشکلی که فکرش را می توان کرد به بدترین شکل ممکن. روزانه حداقل ۶ اعزام از رفیده به بیمارستان کودکان مفید تهران انجام می شود. معلولیت هایشان متفاوت است؛ نایبانی، ناشنوایی، اختلال حرکتی، معلولیت های ذهنی و سندرم داون. همه اینها را باید به محرومیت از آغوش خانواده اضافه کرد.

معلولیت جزئی از زندگی شان شده و بیشترشان درکی از نقصی که در وجودشان هست، ندارند. «محبت را اما خوب درک می کنند. بیشتر از نیازهای روزمره از غذا و لباس و پوشک تمیز؛ به آغوش مهربان نیاز دارند که مادریاران به آنها هدیه می دهند.»

چطور می شود که کسی دوست داشته باشد با بچه های معلول کار کند؟ این روحیه از کجا سرچشمه می گیرد؟ «نمی دانم چطور

راضیه زرگری | هفتاد و هشت کودک در اینجا زندگی می کنند. کودکانی که یا داستان شان حرکتی ندارد یا پاهای کوچک شان به سختی قدم از قدم برمی دارد یا چشم هایشان از تماشای دنیا محروم است یا در دنیای صامت، همه چیز را در سکوت نظاره می کنند. تعدادی از این خلائق معصوم پرودگار هم نارسایی ذهنی دارند. روایت قصه کودکان رفیده، شاید از سخت ترین روایت ها باشد. این ۷۸ کودک معلول بی سرپرست یا بدسرپرست که رها شده اند و حالا در میان داستان مادریاران، آغوش امنی پیدا کرده اند.

زهرآ چراقی، مادر دو فرزند است؛ شانزده و دو ساله. فرزندانش سالم هستند. «مادر رفیده دلی کار می کنیم؛ غیر از این باشد کسی اینجا دوام نمی آورد.»



نزدیک به یک سال است در شیرخوارگاه رفیده کار می کند. قبلاً مربی پیش دبستانی بود؛ «یکی از آرزوهایم این بود که بتوانم با بچه های معلول کار کنم. قبلاً با بچه های سالم زیاد سروکار داشتم، ولی کار با بچه هایی که معلولیت دارند، برایم یک خواسته همیشگی بود. راه ورودش را نمی دانستم؛ تا اینکه فراخوان دیدم و آمدم و قبول شدم.»

کار در شیرخوارگاه کودکان معلول فقط و فقط با عشق پیش می رود

در اتاق شیر کار می کند؛ جایی که شیر خشک و غذای بچه ها آماده می شود. «اگر بچه ها مشکلی در غذا خوردن یا گوارش داشته باشند، کار ما این است که حواس مان به غذای آنها باشد تا اذیت نشوند.»

اکثر مادریاران رفیده، خودشان مادر هستند و مسئولیت هایی در زندگی شخصی شان دارند. «حرف من نیست؛ از هر کدام از همکاران بپرسید همین را می گویند. کار در شیرخوارگاه کودکان معلول فقط و فقط با عشق پیش می رود. باید عشق داشته باشیم، سختی کار غیر قابل بیان کردن است. چه بسا قبل از این هم پیش آمده همکاران زیادی آمدند و از لحاظ روحی نتوانستند در رفیده بمانند. شرایط خیلی سخت است. هر لحظه ممکن است یکی از آنها گریه و بی قراری کند.»

معلولیت جزئی از زندگی شان شده و بیشترشان درکی از نقصی که در وجودشان هست، ندارند. «محبت را اما خوب درک می کنند. بیشتر از نیازهای روزمره از غذا و لباس و پوشک تمیز؛ به آغوش مهربان نیاز دارند که مادریاران به آنها هدیه می دهند.»

شیرخوارگاه رفیده خانه کودکان معلول است؛ مرکزی در شمال تهران، حوالی بلوار اندرزگو. یک شیرخوارگاه با قدمتی ۵۰ ساله. رفیده، عنوانی است که از نام یکی از پرستاران زمان پیامبر اسلام (ص) الهام گرفته شده است.